

واکاوی تجارب ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان دوره متوسطه در شهر میمند

حلیمه عنایت^۱، حکیمه زارع^{۲*}

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۹۷۱۹-۹۷۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۰۲۳۱-۵۸۲۹-۰۰۰۳-۰۰۰۹

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال واکاوی کیفی تجارب ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان دوره متوسطه در شهر میمند بوده است. ماهیت این مطالعه که جزو پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد، کیفی بوده و با روش نظریه زمینه‌ای با رویکرد اشتراوس و کوربین صورت گرفته است. بدین منظور با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و استراتژی نمونه‌گیری نظری، با ۱۵ نفر از دانش‌آموزان دوره‌های متوسطه اول و دوم که در سنین کمتر از هجده سال ازدواج کرده بودند، مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت. هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری و تحلیل یافته‌ها انجام شد. یافته‌ها شامل ۶۲ مقوله فرعی، ۱۲ مقوله اصلی و مقوله مرکزی با عنوان «ازدواج زودهنگام به مثابه فقدان صدا و عاملیت دختران دانش‌آموز» بود. نتایج این پژوهش نشان داد در بافت سنتی و طایفه‌ای محل زندگی دختران و تحت شرایط مداخله‌گر بحران هویت در دوران نوجوانی، ازدواج زودهنگام در سنین مدرسه اتفاق می‌افتد. شرایط علی مؤثر در بروز این پدیده، پدرسالاری، مشکلات اقتصادی و فقر معیشتی و محیط نابسامان خانواده دختر بود. کش‌هایی شامل تجربه جنسی، چالش‌های تحصیلی، کودک‌مادری، خشونت خانگی و آثار روحی و روانی در پاسخ به پدیده ازدواج زودهنگام ارائه شد. پیامدهای ازدواج زودهنگام نیز به شکل نابسامانی زندگی زناشویی و طلاق در سنین نوجوانی رُخ داده است. واژگان کلیدی: ازدواج زودهنگام، دانش‌آموزان متأهل، فقدان صدا، عاملیت، نظریه زمینه‌ای.

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران/henayat74@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)/hzare775@gmail.com



مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۸

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۶۲-۱۳۵

۱. مقدمه و بیان مسئله

ازدواج یکی از وقایع اجتماعی، زیستی و فرهنگی مهم زندگی انسان است و نقش بنیادینی در تشکیل خانواده دارد (کاظمی پور، ۱۳۸۳). یکی از جنبه‌های حائز اهمیت ازدواج، سن ورود به ازدواج است. سن شروع پیوند جنسی در جوامع مختلف و بین زن و مرد کاملاً متفاوت است (ابراهیمی و فخرایی، ۱۳۹۴). جوامع سن یا دوره سنی خاصی را برای زن و مرد در نظر گرفته‌اند و سن قانونی ازدواج در کشورهای مختلف معمولاً بین ۱۳ تا ۱۷ سال متغیر است (تیلر، ۱۳۷۸). کنوانسیون حقوق کودکان^۱ به کسی که در سنین تولد تا ۱۸ سالگی قرار دارد، کودک اطلاق می‌کند. صندوق جمعیت سازمان ملل^۲ نیز، هر نوع ازدواج کودکان در سن زیر ۱۸ سال (قبل از آن‌که دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی مسئولیت‌های زناشویی و مادری داشته باشد) را «ازدواج زودهنگام»^۳ یا «کودک‌همسری» تعریف کرده است (احمدی، ۱۳۹۵: ۸-۹).

مطابق آمارهای جهانی بیش از ۷۰۰ میلیون دختر قبل از رسیدن به سن ۱۲ سالگی ازدواج کرده‌اند که در صورت ادامه این روند تا سال ۲۰۳۰ میلادی، بیشتر از ۱۵۰ میلیون کودک دختر به این تعداد افزوده خواهد شد (یونسف، ۲۰۱۹). در اسناد بین‌المللی، ازدواج کودک از مصادیق ازدواج اجباری است؛ زیرا کودک فاقد توانایی تشخیص و تصمیم‌گیری است. استفاده از لفظ اجبار به معنای مجبورکردن کودک به ازدواج نیست؛ حتی اگر کودک راضی به ازدواج زودهنگام باشد، این رضایت اعتبار ندارد و از مصادیق ازدواج اجباری است (غدیری، ۱۳۹۵).

به نظر می‌رسد در برخی جوامع اعتقادات عرفی و فرهنگی اهمیت بنیادین‌تری دارد، زیرا دختران به محض رسیدن به سن بلوغ و حتی در بعضی موارد قبل از سن بلوغ ازدواج می‌کنند (حاجیلو و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۷). چنین ازدواج‌هایی می‌تواند علل فراوانی داشته باشد؛ از جمله عادات عرفی و رسوم محلی، انگیزه‌های مذهبی، علل فرهنگی مانند ترس از بی‌همسر ماندن دختران، فقر و رهایی از هزینه‌های پوشاک و تحصیل دختران، بی‌سوادی و اختلال‌های روانی پدر و مادر کودک و غیره (غدیری، ۱۳۹۵).

بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد هنجارهای اجتماعی پیرامون ازدواج به‌طور معناداری با تحصیل دختران و اشتغال زنان مرتبط است (کنی^۴ و همکاران، ۲۰۱۹؛ پترونی و همکاران، ۲۰۱۷^۵). آموزش نقش مهمی در ارتقای بینش و آگاهی کودکان در دوران مدرسه دارد، اما متأسفانه پدیده ازدواج زودهنگام موجب محرومیت کودکان از امر تحصیل و آموزش می‌شود. بی‌تردید آموزش مطلوب می‌تواند به رشد دانش و مهارت‌ها، توانایی اعتمادبه‌نفس و قدرت تصمیم‌گیری کمک کند (میرشاه، ۱۴۰۰).

1. Convention of Rights of the Child
2. UNFPA
3. Early Child Marriage
4. Kenney
5. Petroni

در برخی شرایط دختران ممکن است فاقد قدرت تصمیم‌گیری و عاملیت برای ازدواج باشند و در برخی شرایط دیگر، به دلیل فقدان آموزش و سایر جایگزین‌ها ازدواج زودهنگام را انتخاب کنند (کنی و همکاران، ۲۰۱۹؛ مک دوگال^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ استارک^۲، ۲۰۱۸).

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد کاهش موانع آموزش یک رویکرد بالقوه امیدوارکننده برای حذف ازدواج کودکان و کاهش فرزندآوری زودهنگام است. در جوامعی که والدین تحصیل و آموزش را به‌عنوان یک جایگزین مناسب برای ازدواج می‌بینند، دختران با اطلاعات، مهارت‌ها و شبکه‌های اجتماعی توانمند می‌شوند و می‌توانند در مورد ازدواج خود تصمیم‌گیری کنند. حضور تعداد بیشتر دختران در مدرسه ممکن است به مرحله‌ای برسد که فشار ازدواج زودهنگام را در جوامع کاهش دهد (بوتی و همکاران، ۲۰۱۷).

بنابراین، شواهد قابل توجهی ارتباط معکوس بین موفقیت تحصیلی و ازدواج کودکان را نشان می‌دهد: دخترانی که اغلب در سنین پایین ازدواج می‌کنند، تحصیلات و فرصت‌های اقتصادی کمتری نسبت به بقیه دختران هم‌سال خود دارند (پارسونز و همکاران، ۲۰۱۵^۴؛ راج، ۲۰۱۰^۵؛ یونیسف، ۲۰۰۵). همچنین، تحصیلات و تصمیمات زناشویی اغلب با آسیب‌هایی مانند فقر، فرصت‌های نابرابر در بازار کار، سکونت در مناطق روستایی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی همپوشانی فراوانی دارد (اسدالله و همکاران، ۲۰۱۹^۶؛ نور، ۲۰۰۶^۷؛ راج، ۲۰۱۰؛ سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۳).

در ایران نیز معضل ازدواج زودهنگام برای دانش‌آموزان وجود دارد. بر پایه آمارها در سال ۱۴۰۰ تعداد ۹ هزار و ۷۵۳ نفر از دختران در سنین ۱۰ تا ۱۴ سال ازدواج کرده‌اند که نسبت به آمار مشابه در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۲ درصد رشد دارد. همچنین تعداد ۴۵ هزار و ۵۲۲ ازدواج برای دختران سنین ۱۵ تا ۱۹ سال ثبت شده است. در مجموع، تعداد ازدواج دختران زیر سن ۱۸ سال در بهار ۱۴۰۰ رقمی بیش از ۵۵ هزار ازدواج بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰).

گرچه دسترسی به آمار ازدواج زودهنگام به تفکیک استان‌ها امکان‌پذیر نیست، اما شواهد نشان می‌دهد این نوع از ازدواج در استان فارس و به‌طور خاص در شهر میمند در بین دانش‌آموزان رواج دارد. دانش‌آموزان این منطقه به‌جای صرف وقت خود برای تحصیل، آگاهانه و ناآگاهانه در معرض ازدواج‌هایی قرار می‌گیرند که برای آن هیچ آموزشی (از طریق نظام آموزشی و یا خانواده) دریافت نکرده‌اند. این نوع از ازدواج با پیامدهایی چون کودک‌مادری، طلاق و آسیب‌های اجتماعی دیگر همراه است. همچنین، ازدواج در دوران مدرسه با چالش‌های فراوانی مواجه است. دانش‌آموز می‌باید به وظایف خود چون حضور در مدرسه و

1. McDougal

2. Stark

3. Botea

4. Parsons

5. Raj

6. Asadullah

7. Nour

کلاس درس، انجام به موقع تکالیف، حضور در امتحانات و کسب حداقل نمره اهتمام ورزد. در پی تداخل نقش‌های همسری و مادری با نقش دانش‌آموزی، در بیشتر موارد دختران یا مجبور به ترک تحصیل می‌شوند یا در صورت ادامه تحصیل با افت تحصیلی و چالش‌های دیگر حضور در مدرسه روبه‌رو می‌گردند (زارعی محمودآبادی و زارعی، ۱۴۰۰: ۱۵).

با توجه به آمار روبه‌رشد ازدواج زودهنگام و طلاق در بین دانش‌آموزان مدارس، بررسی ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی ازدواج زودهنگام کودکان ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق با رویکردی کیفی به واکاوی تجارب ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان متأهل در مقطع متوسطه پرداختیم تا به کشف تجربیات زیسته این دانش‌آموزان در دوران مدرسه دست یابیم.

۲. چهارچوب مفهومی

بررسی‌ها نشان می‌دهد هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، پدرسالاری، خشونت خانگی، سطح تحصیلات و بافت اجتماعی و فقدان عاملیت دختران، بر ازدواج زودهنگام کودکان و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی تأثیرگذار است.

بوردیو از طریق مفاهیم میدان، سرمایه و عادت‌واره به موضوع نابرابری‌های جنسیتی می‌پردازد. او شایستگی افراد در میدان‌ها را مرتبط با عادت‌واره‌ها و رویکردهای افراد می‌داند و از ترکیب سرمایه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین عادت‌واره شکل می‌گیرد؛ یعنی نظامی از گرایش‌ها بین همه افرادی که محصول شرایط (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) مشابهی اند تشکیل می‌شود (دانش مهر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به مثابه دارایی‌های زنان در متن میدان‌های گوناگون از جمله خانواده، مدرسه و جامعه است که جایگاه و چگونگی عملکرد زنان را مشخص می‌کنند. سرمایه‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و قابلیت یکدیگر را به طور متقابل بازتولید می‌کنند و چگونگی عملکرد زنان در میدان خانواده را مشخص می‌نمایند (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

در جامعه مدرن، زنان سرمایه‌هایی در اختیار گرفته‌اند که در میدان‌های اجتماعی مختلف از جمله میدان خانواده آن‌ها را قدرتمند کرده است. افزایش سرمایه‌های زنان باعث بازتوزیع قدرت و منازعه بر سر بازتعریف قواعد در میدان‌ها شده است. میزان قدرت زنان در خانواده باعث شده است قواعد موجود در میدان خانواده را طوری بازتعریف کنند که از میزان قدرت خشونت نمادین کاسته و امکان بازنمایی هویتی مستقل‌تر برای آن‌ها فراهم شود. قدرت زنان می‌تواند به عنوان منبعی توانمندساز عمل کند؛ به گونه‌ای که در میدان‌های دیگر نیز توانایی‌های انتخاب زنان را افزایش دهد. هرچه انتخاب‌های زنان خارج از حصار بارورهای سنتی و دارای تنوع بیشتر باشد، عاملیت زنان را افزایش می‌دهد (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). نابرابری‌های جنسیتی نیز از طریق سلطه مردانه همراه با ناآگاهی از جانب خانواده بر زنان تحمیل می‌گردد و باعث می‌شود فعالیت‌های زنان چه درون چه بیرون خانواده بی‌ارزش تلقی شود؛ زنان با بالابردن سرمایه اجتماعی خود می‌توانند بر احساس نابرابری جنسیتی خود غلبه کنند (کیانی و رهنما، ۱۳۹۴).

چافتر به تأثیر عاملیت در تغییر ساختار جنسیتی در جامعه پرداخته است. او عاملیت را فرصت انتخاب تعریف می کند؛ به گونه ای که در زمان ها و مکان های مختلف، گروه های گوناگون جنسیتی، طبقاتی، نژادی و قومیتی، از انواع متفاوتی از فرصت های انتخاب برخوردارند و افراد واقع در موقعیت های مسلط اجتماعی، معمولاً از گزینه های بیشتر و بهتری نسبت به کسانی که در موقعیت های تحت سلطه اند، برخوردار می شوند (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

فمینیست های لیبرال نیز به بررسی انقیاد زنان از دریچه محدودیت های قانونی و عرفی پرداخته اند که مانع دسترسی زنان به عرصه های عمومی در اجتماع می شود. این گروه از نظریه پردازان، تداوم ستم به زنان را به جنسیت و توانایی در زایش مرتبط می دانند. در این سنت، انفعال داوطلبانه زنان با آگاهی کاذب در ارتباط است و عاملیت را به مثابه مقاومت در برابر سلطه مردان در نظر گرفته اند (مسگر طهرانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲۱).

دیگر تئوری های نابرابری جنسیتی نیز بیان می کنند فقدان صدا و عاملیت زنان در تصمیم گیری های خانواده و مشارکت مدنی، به ازدواج زود هنگام منجر می شود. تحقیقات نشان می دهد که مشارکت بیشتر زنان در تصمیم گیری های سیاسی احتمال سرمایه گذاری آنان را در خدمات اجتماعی افزایش می دهد. این امر مستقیماً با رشد اقتصادی و دستیابی به تحصیلات مرتبط است (بیمن و همکاران، ۲۰۱۲؛ راماسوامی و مسکیوایز، ۲۰۰۹). هنگامی که دختران زود هنگام ازدواج می کنند، از امکان دستیابی به دانش و مهارت های مورد نیاز در طول زندگی، محروم می شوند (سمبا^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، تحصیل دختران با افزایش دانش مرتبط با سلامت و استفاده از منابع خانگی برای ارتقای سلامت فرزندان مرتبط است (بویل^۴ و همکاران، ۲۰۰۶).

اشتراوس^۵ در بررسی معیارهای فرهنگی، نه تنها خشونت مردان علیه زنان را مجاز بلکه تأیید می کند؛ زیرا اقتدار مردان امری فرهنگی است و پر خاشگری را نه تنها ابزاری مورد قبول برای مردان بلکه روشی برای اثبات مردانگی می دانند. همچنین، در جهت حفظ سلطه مردانه، جهت گیری نظام کیفری حمایت قانونی اندکی از زنان کتک خورده می نماید. پدرسالاری نظامی فرهنگی است که مردان می توانند در سلسله مراتب اجتماعی قدرت و امتیاز بیشتری نسبت به زنان داشته باشند (بارنت^۶ و همکاران، ۱۹۹۷: ۲۵).

در نظریه ستمگری جنسی، موقعیت زنان پیامد نظارت، سوء استفاده و انقیاد توسط مردان است. مردان با اعمال ستم جنسی بر زنان منافع خود را بر آورده می کنند. در واقع، این ستم ها ناشی از قدرتی است که مردان جامعه در چهارچوب نظام پدرسالاری بر زنان اعمال می نمایند (ریترز، ۱۳۷۴).

1. Beaman

2. Ramaswami & Mackiewicz

3. Semba

4. Boyle

5. Strauss

6. Barentt

فمینیست‌ها نیز دلیل اصلی خشونت خانگی را نیز ساختارهای پدرسالارانه در جامعه می‌دانند؛ زیرا اساس نهاد خانواده بر نابرابری اجتماعی و استثمار زنان و کودکان بنا نهاده شده است و کنشگران فعال در جهت حفظ این نابرابری‌ها می‌کوشند (اعزازی، ۱۳۸۳: ۷۷). هر نوع رفتار مردان در راستای اثبات قدرت و نظارت بر زنان، جزو خشونت خانگی محسوب می‌شود. خشونت فیزیکی شامل هل دادن، لگزدن، ضربه زدن، کشیدن موی سر، سوزاندن، شلاق زدن، اذیت و آزار رساندن و... است. خشونت روانی شامل تمسخر در جمع، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری، دشنام و ناسزا و... است که موجب عدم اعتمادبه‌نفس و به‌هم خوردن تعادل روانی و تمایل به خودکشی می‌شود (اعزازی، ۱۳۹۴: ۲۰۹).

فقر اقتصادی خانواده، از جمله عوامل تأثیرگذار بر تصمیم زنان برای ازدواج در سنین پایین است. برخی از زنان در دوران کودکی و نوجوانی با مشکلات اقتصادی مواجه‌اند، همین موجب می‌شود آن‌ها بخواهند با ازدواج زودهنگام، فشار مالی بر خانواده خود را کاهش دهند. همچنین برخی از والدین برای دستیابی به شرایط بهتر و امنیت مالی، به ازدواج فرزندان خود در سنین کودکی رضایت می‌دهند (کهنو^۱، ۲۰۲۰)، به نقل از سلحشور و حبیب‌پورگتابی، ۱۴۰۰: ۴۰). فقر تنها با محرومیت مالی خانواده تعریف نمی‌شود، بلکه به لحاظ فرهنگی و مدنی نیز تعریف می‌شود. فرهنگ فقر، مجموعه مشتری از ارزش‌ها، هنجارها و الگویی است که با فرهنگ عمومی جامعه تعارض دارد. به نظر لوئیس^۲، فقر زیرساخت و مکانیسمی عقلایی دارد که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. او معتقد است فقر شیوه‌ای از تفکر و مجموعه‌ای از هنجارها با ویژگی هم‌ناکننده است. یکی از شاخص‌های نظریه فرهنگ فقر، شروع روابط جنسی در سنین پایین و کوتاهی دوران کودکی است؛ بنابراین، فقر هم ریشه در ساختارهای عینی و مادی جامعه دارد و هم توسط هنجارهای اجتماعی و ایستارهای فرهنگی تولید و بازتولید می‌شود (همان: ۴۱). بدین ترتیب، ازدواج زودهنگام کودکان منجر به بازتولید چرخه فقر اقتصادی و فرهنگی در نسل‌های بعد می‌گردد.

نظریه قومی و فرهنگی با تأکید بر الگوهای ازدواج، بیان می‌دارد که هنجارها، آرمان‌ها و اعتقادات قومی از عوامل تعیین‌کننده در الگوهای ازدواج است. الگوهای قومی متفاوت ازدواج، تحت تأثیر هنجارها و ارزش‌های قومی، خرده‌فرهنگی و میراث قومی-فرهنگی است (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴). بافت قومی-فرهنگی بستری زمینه‌ساز است که ازدواج زودهنگام را تحت الگوهایش شکل می‌دهد.

همچنین، در نظریه رشد اریکسون^۳، دوران نوجوانی اهمیت بسیاری دارد. در این مرحله وحدت هویت در برابر ابهام و سردرگمی قرار دارد. شکل‌گیری و پذیرش هویت در این مرحله اضطراب‌آور است. نوجوانانی که این دوران سخت را پشت سر می‌گذرانند، با احساس بسط‌یافته از اطمینان به خود و اعتمادبه‌نفس وارد دوران بزرگسالی می‌شوند؛ اما افرادی که نتوانند در دوران نوجوانی به هویتی منسجم و یکپارچه دست یابند، با چالش‌های روان‌شناختی چون بحران هویت و سردرگمی در بزرگسالی مواجه خواهند شد (احمدی، ۱۳۸۲).

1. Kohno

2. Lewis

3. Erikson

بحران هویت در بزرگسالی می‌تواند به شکل نابسامانی، عدم احساس خوشنودی و رضایت و لذت از زندگی زناشویی و دل‌زدگی زناشویی خود را نشان دهد. فاصله زیاد در روابط زناشویی بین وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب فرد، در بلندمدت آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای فرد و خانواده ایجاد می‌کند و عدم رضایت از روابط زناشویی در اغلب موارد به خیانت منتهی می‌شود؛ زیرا زنی که از ابتدا با بی‌میلی به رابطه‌ای یک‌طرفه تن داده، با تجربه خشونت‌های مکرر جنسی درنهایت با بی‌مهری عاطفی، عدم رضایت و نابسامانی در زندگی زناشویی و طلاق مواجه می‌گردد (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴).

۳. پیشینه تجربی

بهوانیا^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیقی به تأثیر آموزش‌های بدون شهریه در دوره متوسطه بر کودک‌همسری و فرزندآوری زودهنگام پرداخته‌اند. با توجه به تداوم افزایش ازدواج و فرزندآوری زودهنگام، راهبرد آموزش بدون شهریه در پنج کشور آفریقایی جنوب صحرای آفریقا انجام گردید. آن‌ها با مقایسه تغییرات نتایج در طول دوره بین دخترانی که در معرض این سیاست قرار داشتند و دخترانی که در معرض این سیاست نبودند، دریافتند که آموزش رایگان در دوره متوسطه احتمال کودک‌همسری و فرزندآوری قبل از ۱۵ و ۱۸ سالگی را کاهش می‌دهد و پیامدهای درازمدتی بر سلامت و اقتصاد آن کشورها دارد.

سمبرینگ^۲ و همکاران (۲۰۲۳) به ارزیابی تأثیر روان‌شناختی ازدواج زودهنگام پرداختند. در جوامع درحال پیشرفت ازدواج در سنین پایین به دلیل اعتقادات مذهبی، هنجارها و تأثیرات اجتماعی رو به افزایش است. این مطالعه به این نتیجه رسید که ازدواج زودهنگام، مسئولیت‌های متعدد و بارداری‌های زودهنگام از عوامل افسردگی دختران نوجوان است. همچنین، مشخص شد که میزان افسردگی دختران متأهل در مقایسه با دختران مجرد در سطح بالاتری قرار دارد.

اثنی‌عشری و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، بیکاری و تورم بر افزایش کودک‌همسری، دریافتند که در بسیاری از موارد خانواده‌ها به‌خاطر مشکلات اقتصادی به فروش فرزندان دختر خود از طریق کودک‌همسری روی آورده‌اند. همچنین، افزایش سطح تحصیلات و ارتقای سرمایه فرهنگی و آموزشی منجر به کاهش روند کودک‌همسری می‌گردد.

هاچکيس^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به ارتباط متقابل ازدواج کودکان رومایی با ثبت‌نام و تحصیل ایشان در مدارس پرداختند و نشان دادند که دختران رومایی صربستان در معرض ازدواج در سنین کودکی قرار دارند و حتی میزان ازدواج کودکان در میان دختران رومایی‌ها بیشتر از زنان فقیر در صربستان است. همچنین ازدواج کودکان در میان دخترانی که خانواده‌هایی فقیر، کم‌سواد و ساکن در مناطق روستایی دارند شایع‌تر است.

1. Bhuwania

2. Sembiring

3. Hotchkiss

هاشمی نسب و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی به واکاوی تجربه کودک‌همسری در شهر کرمان در بین زنانی که از همسر خود جدا شده‌اند، پرداخته‌اند و با استفاده از نظریه زمینه‌ای مقوله‌های اصلی زنان مطلقه شهر کرمان را شامل نبود خانواده به عنوان پناهگاهی امن، ضعف قوانین در ازدواج، فقر و تنگدستی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و فرهنگی، پدرسالاری و استیلاي قدرت پدر، نداشتن درک روشن از هویت خود، تجربه خشونت، درمندی روحی و جسمی، ناتوانی در مسئولیت‌های زناشویی، بی‌قدرتی، بی‌علاقگی به زندگی مشترک، ترک و طلاق دانسته‌اند. این محققان مقوله هسته را بازاندیشی «خود» در جداسدن از زندگی زودهنگام کودکانه مشخص کرده‌اند.

زارعی محمودآبادی و زارعی (۱۴۰۰) در پژوهشی به علل و پیامدهای ازدواج زودهنگام و وقوع کودک‌همسری در بین دانش‌آموزان دختر استان یزد (طلاق دانش‌آموزی) با استفاده از نظریه زمینه‌ای پرداختند. این مطالعه مقوله‌های نقصان ارتباطی، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم صمیمیت زناشویی، عدم بلوغ اجتماعی اخلاقی، آشفتگی روانی، مخاطرات و پیامدهای طلاق، چالش‌های تحصیلی و مشکلات بین‌فردی را به عنوان پیامدهای کودک‌همسری شناسایی کرده و درعین حال مهم‌ترین پیامد آن را بی‌ارتباطی کلامی در رأس مشکلات دانش‌آموزان در زمان تأهل یاد کرده است.

اسدپور و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از نگاه کودک‌زنان ازدواج‌کرده خراسانی با روش تحلیل مضمونی پرداختند. آن‌ها در این تحقیق، مقوله‌های زمینه‌های خانوادگی، زمینه‌های اجتماعی، زمینه‌های فرهنگی، بافت مذهبی، ویژگی‌های فردی، زمینه‌های اقتصادی و شرایط زیست‌محیطی را از مهم‌ترین علت‌های زمینه‌ساز کودک‌همسری بیان کردند.

ایمان و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی دریافتند که بین سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی شهرستان‌ها و نرخ ازدواج دختران نوجوان و فرزندآوری آنان رابطه معکوس وجود دارد و با افزایش تحصیلات و اشتغال زنان، نرخ ازدواج دختران نوجوان و فرزندآوری آنان کاهش می‌یابد.

تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص ازدواج زودهنگام کودکان نشان می‌دهد که آموزش، سطح تحصیلات، مسائل اقتصادی و پذیرش کلیشه‌های سنی توسط خانواده در خصوص ازدواج زودهنگام ازجمله عواملی بوده که در بروز این مسئله نقش داشته‌اند. این کودکان با توجه به سرمایه اندک اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با پیامدهایی چون آثار روانی و به تبع آن عدم توانایی در ایفای نقش‌های همسری و کودک مادری مواجه‌اند.

همچنین، این تحقیقات بیشتر به مسائل حقوقی و آسیب‌های ازدواج زودهنگام پرداخته‌اند. نمونه‌گیری‌های این تحقیقات معطوف به زنانی بوده که زمان طولانی از زندگی زناشویی آن‌ها گذشته یا مطلقه بوده‌اند. لذا، جنبه نوآورانه پژوهش حاضر به تفسیر تجربیات ازدواج زودهنگام دانش‌آموزانی است که در سنین زیر ۱۸ سال ازدواج کرده و هم‌اکنون در دوران نوجوانی در بازه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال در دوره‌های اول و دوم متوسطه به تحصیل مشغول‌اند. از طرفی، تاکنون پژوهشی در خصوص ازدواج زودهنگام در شهر میمند استان فارس صورت نگرفته است و درعین حال در این تحقیق به واکاوی تجربیات عاطفی و فکری زناشویی این دانش‌آموزان متأهل پرداخته شده است.

۴. روش شناسی

این مطالعه جزو پارادایم تفسیری و ماهیت آن کیفی است و با روش نظریه زمینه‌ای با رویکرد اشتراوس و کوربین انجام گرفته است. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه دانش‌آموزانی بودند که تجربه ازدواج زودهنگام را در مقطع متوسطه در سطح شهر میمند داشتند. شیوه نمونه‌گیری در این مطالعه غیرتصادفی و به صورت هدفمند و نظری بود و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به مدت ۲ ساعت مصاحبه انجام گرفت. تعداد افراد مورد مصاحبه ۱۵ نفر از دانش‌آموزان دوره‌های اول و دوم مقطع متوسطه بود که در جدول شماره ۱ مشخصات آن‌ها آمده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان

کد مشارکت‌کننده	نام	سن فعلی	سن هنگام ازدواج	اختلاف سنی با همسران	وضعیت فعلی	پایه تحصیلی
۱	هانیه	۱۷	۱۱	۱۴	مطلقه	دوازدهم
۲	مرجان	۱۶	۱۵	۱۱	مطلقه	دهم
۳	فاطمه	۱۸	۱۳	۱۰	۳ سال متأهل	دوازدهم
۴	معصومه	۱۷	۱۵	۱۱	۲ سال متأهل	یازدهم
۵	خدیجه	۱۷	۱۴	۸	دوران عقد	یازدهم
۶	زهرا	۱۵	۱۴	۱۰	دوران عقد	نهم
۷	مینا	۱۷	۱۵	۱۱	دوران عقد	نهم
۸	نوشین	۱۸	۱۳	۷	۵ سال متأهل	دوازدهم
۹	مریم	۱۸	۱۳	۱۵	۷ سال متأهل	یازدهم
۱۰	ملیکا	۱۷	۱۳	۲۰	مطلقه	دهم
۱۱	نسترن	۱۶	۱۴	۱۴	دوران عقد	نهم
۱۲	فائزه	۱۶	۱۴	۱۲	دوران عقد	دهم
۱۳	ملیحه	۱۷	۱۵	۸	مطلقه	یازدهم
۱۴	افسانه	۱۵	۱۳	۱۱	دوران عقد	نهم
۱۵	شادی	۱۶	۱۳	۱۳	۱ سال متأهل	نهم

یکی از نکات اخلاقی مهم این تحقیق، موافقت تمام مشارکت‌کنندگان برای مصاحبه است. به آن‌ها این اطمینان خاطر داده شد که تمامی اطلاعات آن‌ها در راستای حفظ کرامت انسانی به شکل محرمانه باقی می‌ماند. مصاحبه‌ها در یک فضای صمیمی انجام گرفت. بعد از پیاده‌سازی هر مصاحبه به شکل متن، به

منظور تحلیل داده‌ها از مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی برای ترسیم مدل پارادیمی استفاده شد. برای دستیابی به قابلیت اعتماد نیز از سه تکنیک ممیزی توسط متخصصان، بررسی توسط اعضای مشارکت‌کننده و مقایسه تحلیلی استفاده گردید.

۵. یافته‌ها

در فرآیند کشف مفاهیم طی مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی، ۶۲ مقوله فرعی، ۱۲ مقوله اصلی و مقوله مرکزی/هسته استخراج گردید که در ادامه به این مقولات و نقش هر یک در مدل پارادیمی اشاره می‌شود.

۵-۱. شرایط علی

شرایط علی مشخص می‌کند چه عواملی باعث پدیده مرکزی (ایمان، ۱۳۹۷: ۸۰) کودک‌همسری در سنین مدرسه شده است. در این پژوهش شرایط علی شامل پدرسالاری، مشکلات اقتصادی و فقر معیشتی و محیط نابسامان خانواده دختر بود که در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: مقولات فرعی و مقولات اصلی در شرایط علی

مقوله مرکزی	نقش در مدل پارادیمی	مقولات اصلی	مقولات فرعی
فقدان صدا و عاملیت دختران	شرایط علی	پدرسالاری	- انتخاب اجباری همسر توسط پدر - سلطه پدر خانواده در تمامی امور - فشار فامیل برای ازدواج فامیلی - اطاعت از همسر بعد از ازدواج
		مشکلات اقتصادی و فقر معیشتی	- فوت پدر خانواده - بیکاری پدر خانواده - دختر در خانه پدر مانند نان‌خور اضافی - معاوضه دختر در قبال دریافت زمین و ماشین از خواستگار - ازدواج دختر شانس برای پیشرفت اقتصادی خانواده
		محیط نابسامان خانواده دختر	- محیط زندگی پُر از تنش و ناآرام دختر - طلاق والدین - بیماری روانی والدین - مشاجرات روزانه فرزندان و والدین

۱-۱-۵. پدرسالاری

در جامعه مردسالار فرد از کودکی با ایدئولوژی پدرسالاری در طی فرآیند جامعه پذیری آشنا می شود و آن ها را درونی می کند. این سلطه مردانه در خانواده و در سطح جامعه بازتولید می گردد. اغلب کودکانی که در سنین پایین ازدواج کرده اند، در انتخاب همسر خود نقشی نداشته اند. اکثر مشارکت کنندگان در این تحقیق به شیوه اجباری ازدواج کرده بودند؛ بدین معنی که دختران در انتخاب همسر خود قدرت تصمیم گیری و عاملیت نداشته اند و انتخاب همسر توسط اعضای خانواده و به خصوص پدر به علت سن کم کودک صورت گرفته است.

هانیه یکی از مصاحبه شوندگان که تجربه ازدواج او به طلاق منتهی شده است، می گوید:

«وقتی کلاس پنجم ابتدایی بودم، با واسطه یکی از اقوام، شوهرم به خواستگاریم اومد. بابام به خاطر این که شغل شوهرم خوبه و معتاد نیست و مؤمنه، اصرار بر ازدواج من داشت. اجبار از طرف بابام با دعوا و گریه های من همراه بود. حتی مشاوره قبل از ازدواج اجازه ازدواجم رو صادر نکرد و با حکم رشد دادگاه شوهر کردم.»

فاطمه نیز می گوید:

«بابام حرف اول و آخر رو تو خونه ما می زنه. برای همه خواهرام خودش تصمیم گرفت.»

نسترن می گوید:

«بابا و مامانم مجبورم کردن. گفتن اگه شوهر نکنی، از خونه بیرون می کنیم.»

۲-۱-۵. مشکلات اقتصادی و فقر معیشتی

ازدواج زود هنگام در بعضی مواقع به عنوان راهی برای نجات خانواده از مشکلات اقتصادی و فقر معیشتی تلقی می گردد. تأمین رفاه خانواده دختر و دختر بیش از اختلاف سنی کودک با همسر آینده اش اهمیت دارد. گاهی مواقع فرد در خانواده ای زندگی می کند که دختر را بنا به باورهای کلیشه ای نان خور اضافی قلمداد می کنند و این که دختر در نهایت باید ازدواج کند. در این پژوهش دو مورد از مشارکت کنندگان، پدران شان درقبال دریافت زمین و ماشین از خواستگار آن ها را معاوضه کرده بودند.

ملیکا که در سن ۱۳ سالگی با مردی ۳۳ ساله ازدواج کرده است، می گوید:

«بابام مشکل اعصاب و روان داره و نمی تونه کار پیدا کنه. وقتی شوهرم به بابام پیشنهاد زمین داد، بابام هم قبول کرد. اولش خیلی مخالف بودم به خاطر سنش؛ اما بعد که به حرف های خونواده ام گوش دادم، دیدم با ازدواجم به خونواده ام کمک می کنم.»

افسانه می گوید:

«بابام فوت شده، وضع مالی ما بعد از مرگش خیلی بدتر از قبل شد. اولین خواستگار که اومد به امید این که وضع مالی مون بهتر شه، ازدواج کردم. الان عقدم، وضع مالی شوهرم خیلی خوبه. برای مناسبت های مختلف مثل ولنتاین و تولد، برام کادوهای گرون قیمت می خره.»

۳-۱-۵. محیط نابسامان خانواده دختر

وجود ناسازگاری و اختلافات در خانواده منجر به کم‌رنگ شدن محبت بین اعضای خانواده می‌شود. یکی از علل ازدواج زودهنگام، محیط نابسامان خانواده دختر است. نبود تفاهم، اختلافات همیشگی و مشاجرات دائمی پدر و مادر آثار ناخوشایندی بر سلامت روان اعضای خانواده دارد و منجر به شکل‌گیری اختلالات شخصیتی چون تشویش، نگرانی و اضطراب می‌شود. خانواده‌های نابسامان به دلیل تأثیر وراثتی و محیطی می‌توانند اثرات مخربی در تکامل شخصیت فرزندان داشته باشند.

محیط ناآرام و پُر از تنش زندگی دختران، طلاق و بیماری روانی والدین و مشاجرات روزانه فرزندان و والدین باعث می‌شود خانواده دیگر محلی امن برای کودکان نباشد. اکثر مشارکت‌کنندگان برای فرار از محیط خانوادگی خود و دستیابی به زندگی بهتر اقدام به ازدواج زودهنگام کردند. مریم می‌گوید:

«با انتخاب خودم ازدواج کردم. حدود سه ماه دوست بودیم، یک ماه فاصله خواستگاری تا ازدواجم شد. تنها دلیل برای ازدواج، فرار از خونه‌مون بود. هر روز جنگ و دعوا، برادرام با بابام مشکل داشتن. متعصب‌اند و مدام به هم گیر می‌دادن. از این همه مشکلات خسته شده بودم تا با شوهرم دوست شدم و پت‌های هرروزه‌مون باعث شد طعم عشق رو تو زندگیم تجربه کنم.»

۳-۲-۵. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی دارند و محصول تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر، برای شکل‌دادن به الگوهای رفتاری و راهبردهای کنش در ارتباط با پدیده موردنظر است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵). در این پژوهش شرایط زمینه‌ای عبارت است از بافت سنتی و طایفه‌ای محل زندگی فرد که در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: مقولات فرعی و مقولات اصلی در شرایط زمینه‌ای

مقولات فرعی	مقولات اصلی	نقش در مدل پارادیمی	مقوله مرکزی
- نقش آداب و رسوم طایفه در ازدواج دختران - تفاوت سنی زیاد با همسر - نقش مذهب در ازدواج زودهنگام دختر - عقد نانوشته دختر و پسر از کودکی - ترس از باورهای کلیشه‌ای نداشتن خواستگار - ترس از آبروی خانواده و آنگ دختر ترشیده	بافت سنتی و طایفه‌ای	شرایط زمینه‌ای	فقدان صدا و عاملیت

بافت سنتی و طایفه‌ای محل زندگی دختر

ازدواج زود هنگام کودکان امری رایج در میان بافت‌های سنتی و طایفه‌ای است و حتی در بعضی موارد ازدواج کودکان منجر به تقویت همبستگی طایفه‌ها می‌گردد. به همین دلیل گاهی از ازدواج دختران با افراد خارج از دایره خانواده و طایفه ممانعت به عمل می‌آید و آن‌ها به اجبار با افرادی از طایفه خود که اختلاف سنی زیادی با آن‌ها دارند، ازدواج می‌کنند. یکی از عرف‌های رایج در بافت سنتی، مشخص کردن همسر کودکان قبل از تولد آن‌ها یا به اصطلاح عامیانه ناف‌بُر است. خدیجه می‌گوید:

«توی روستای ما بعضی از دخترها اسمشون روی اسم پسرهای طایفه‌شونه و همه از بچگی می‌دونند که این دختر شوهر داره.»

یکی دیگر از باورهای رایج در جوامع سنتی، باورهای مذهبی است که معمولاً این باورها همسو با ساختارهای سنتی است و اغلب باعث تقویت این ساختارها می‌شود. در جامعه ایران، مشروعیت رابطه دختر و پسر تنها در صورتی جایز است که دین آن را تأیید کند. چنین نگرشی ذیل صیغه محرمیت و در چهارچوب آشنایی قبل از ازدواج شکل می‌گیرد؛ بنابراین، مشروعیت مذهبی بسیار مهم‌تر از پابندی به قانون در این جوامع است (احمدی، ۱۴۰۰). زهرا می‌گوید:

«طایفه ما سید هستن، همه مذهبی و مؤمنن. ازدواج تو سن ۱۳ سالگی بین طایفه ما عادیّه، همه دوستان تو سن ۱۳-۱۴ سالگی ازدواج کردن.»

گاهی تبعیت از رسوم و سنت‌های محلی تبدیل به باورهای کلیشه‌ای می‌شود و فشار مضاعفی برای خانواده دختر و خود دختر ایجاد می‌کند. خانواده‌ها به ناگزیر تن به ازدواج زود هنگام دختران می‌دهند و نپذیرفتن باورهای عرفی منجر به تمسخر و برچسب‌های متعدد بر دختر و خانواده‌اش می‌شود. معصومه می‌گوید:

«توی محل ما دخترهایی که ۱۶ سالشونه، بهشون ترشیده می‌گن. ما مجبوریم زود ازدواج کنیم تا به ما ترشیده نگن، تا خانواده‌هامون سرافکنده نباشن.»

۳-۵. شرایط مداخله‌گر

جدول شماره ۴: مقولات فرعی و مقولات اصلی در شرایط مداخله‌گر و میانجی

مقولات فرعی	مقولات اصلی	نقش در مدل پارادیمی	مقوله مرکزی
- مسائل بلوغ جسمی و روحی - سردرگمی، اضطراب و بهت‌زدگی در مواجهه با سختی‌ها - عدم آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه و خانواده - یادگیری مهارت‌های زندگی در فرآیند زندگی زنانشویی	بحران هویت	شرایط مداخله‌گر	فقدان صداقت

این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارد که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۴۸). شرایط مداخله‌گر این تحقیق شامل بحران هویت بود که در جدول شماره ۴ آمده است.

بحران هویت

نوجوانی دوره‌ای مهم و سرنوشت‌ساز است که فرد با مسئله هویت‌یابی خود روبه‌رو می‌شود. نوجوان در این مرحله به دنبال تعیین جایگاه خود از نظر شغلی، اجتماعی، اعتقادی و شخصیتی است، به همین دلیل هویت‌یابی اضطراب‌آور است. اگر نوجوان به دلیل شرایط نامناسب و الگوهای نامطلوب تربیتی نتواند به هویت دست یابد، با بحران هویت که نشانه آشکار آن سردرگمی و در نهایت شکست و سرخوردگی است، مواجه می‌شود (کیانپورقهرخی و حقیقی، ۱۳۸۶: ۴۵۱).

همچنین، دور شدن کودک از فضای کودکی به سبب جدایی از خانواده و دوستان و ازدست دادن حمایت آنان موجب می‌شود، کودکان با عدم تعامل با همسالان و دور شدن از فضای اجتماع روبه‌رو گردند که نتیجه آن ازدست دادن فرصت‌های رشد و تکامل فردی در این مرحله حساس است (لطفی، ۱۳۸۹).

اغلب مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که مهارتی برای ورود به زندگی زنشویی نه از طرف خانواده و نه از طرف مدرسه دریافت نکرده‌اند و تصوراتشان راجع به زندگی زنشویی اشتباه بوده است. خانواده‌های آنها این باور را داشته‌اند که کودکان در طی زندگی به این مهارت‌ها دست می‌یابند؛ در مقابل کودکان در مواجهه با زندگی زنشویی با اضطراب و سردرگمی روبه‌رو شده‌اند.

نوشین می‌گوید:

«من فکر نمی‌کردم ازدواج این قدر سخت باشه. بیشتر مجبورم به کارهای خونه برسم. وقت

کمی برای درس خوندن دارم. دلم می‌خواد برگردم به قبل که با آرامش درس می‌خوندم.»

ملیحه که در سن ۱۵ سالگی ازدواج کرده و به تازگی طلاق گرفته است، چنین بیان می‌کند:

«اوایلش خیلی خوب بود. خودش و خونواده‌اش کادو زیاد می‌خریدن، بیشتر موقع‌ها

می‌رفتم مسافرت؛ اما بعداً متوجه شدم زندگی فقط اینا نیست و مجبورم با یه آدم بد اخلاق

که دست بزن داره، زندگی کنم.»

ملیکا نیز می‌گوید:

«مامانم می‌گفت: توی زندگی یاد می‌گیری چطوری شوهرداری و بچه‌داری کنی.»

۴-۵. راهبردها

به همه کنش‌هایی که در پاسخ به پدیده مرکزی ارائه می‌شود، راهبرد گفته می‌شود (ایمان، ۱۳۹۷: ۸۰). در این پژوهش راهبردها عبارت‌اند از تجربه جنسی، چالش‌های تحصیلی، کودک‌مادری، خشونت خانگی و آثار روحی و روانی که در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول شماره ۵: مقولات فرعی و مقولات اصلی در راهبردها

مقوله مرکزی	نقش در مدل پارادیمی	مقولات اصلی	مقولات فرعی
فقدان صدا و عاملیت	راهبردها	تجربه جنسی	- مخالفت دختر با تجربه جنسی در دوران عقد - عدم انتقال آگاهی جنسی از مادر به دختر - آموزش مسائل جنسی توسط همسر، اقوام و مشاور - آسیب های جسمی و روانی از اولین ارتباط جنسی - عدم پذیرش رابطه جنسی در کودکی
		چالش تحصیلی	- رویای ادامه تحصیل و تلاش برای تحقق این رویا - عدم تمایل والدین به ادامه تحصیل - عدم همکاری همسر در امر تحصیل - تمایل به ترک تحصیل در بین دختران - اُفت تحصیلی در زمان عقد و ازدواج - عدم نیاز به رفتن به دانشگاه - عدم تمرکز بر درس ها
		کودک مادری	- اجبار برای داشتن فرزند بعد از ازدواج - بارداری ناخواسته و سقط جنین - عدم آمادگی روانی دختر برای بارداری - زایمان رنج آور مادر - عدم آگاهی و تجربه بچه داری
		خشونت خانگی	- خشونت کلامی همسر - خشونت فیزیکی و روانی همسر - عدم پرداخت هزینه مالی زندگی توسط همسر - عدم احترام همسر در جمع خانوادگی
		آثار روحی و روانی	- اقدام به خودکشی از طریق قرص، تیغ و طناب - افسردگی و ناامیدی در ازدواج - انزوای اجتماعی و کناره گیری از دوستان مجرد - کاهش اعتماد به نفس در جمع دوستان

۱-۴-۵. تجربه جنسی

نداشتن آگاهی و اطلاعات در زمینه مسائل جنسی از راهبردهایی است که بر نارضایتی جنسی زوجین اثرگذار است. اولین تجربه جنسی در کودکی، عدم آگاهی و آموزش، دریافت اطلاعات از شبکه‌های مجازی یا دریافت اطلاعات ناقص، در ایجاد ترس و فشار روانی در اولین رابطه جنسی اثرگذار است. فشارهای ساختارهای سنتی و طایفه‌ای بر اثبات باکرگی دختران و تأکید بر اجرای آداب و رسوم شب زفاف با حضور بزرگان طایفه، آسیب‌های روحی و روانی از جمله هراس از تجربه جنسی برای کودکان به ارمان می‌آورد. همه مشارکت‌کنندگان عدم آگاهی از رابطه جنسی را عنوان کردند و اکثریت بیان کردند که آگاهی جنسی از طریق مادر به آن‌ها منتقل نشده است و بیشتر مشارکت‌کنندگان آموزش روابط زناشویی را از طریق همسر و سایر اقوام کسب کرده‌اند. یک نفر نیز با دریافت کتاب از مشاوره مدرسه، به آگاهی در مورد رابطه جنسی دست یافته است. فائزه می‌گوید:

«مامانم هیچی در مورد روابط زناشویی یادم نداد. خجالت می‌کشید بخواد در مورد این چیزا به من چیزی بگه، شوهرم خودش کم‌کم برام توضیح داد. اوایلش خیلی خجالت می‌کشیدم، اما با کمک مشاور مدرسه چند کتاب خریدم، هر دوتامون داریم کتاب می‌خونیم.»

هانیه می‌گوید:

«اولین تجربه جنسی‌ام خیلی بد بود، مدام گریه می‌کردم و درد زیاد و خونریزی شدید داشتم.»

ملیکا بیان می‌کند:

«اون قدر این مورد برام سنگین بود تا مدت‌ها فکر می‌کردم بهم تجاوز شده.»

و مرجان می‌گوید:

«از رابطه جنسی متنفر بودم و حس بدی داشتم، اما به مرور زمان این مسئله برام حل شد.»

۲-۴-۵. چالش‌های تحصیلی

ازدواج کودکان اُفت تحصیلی و گاهی ترک تحصیل کودک (به اجبار والدین و همسر خود) را در پی دارد. این امر مانع از شکوفایی استعدادهای کودکان و آشنایی با مهارت‌های زندگی می‌شود. آن‌ها بدون کسب هیچ‌گونه مهارتی به زندگی جدید وارد می‌شوند و به ناچار به امر خانه‌داری روی می‌آورند. علاقه و اصرار بیشتر مشارکت‌کنندگان باعث بازگشت به مدرسه و ادامه تحصیل شده است؛ اما این بازگشت مجدد به مدرسه مانند گذشته نبوده است، زیرا آن‌ها دیگر نمی‌توانستند برای مدرسه وقت کافی بگذارند. اُفت تحصیلی و تأهل آن‌ها منجر به انزوای اجتماعی دانش‌آموزان در بین دوستان مجردشان شده است. تنها یک مورد از مشارکت‌کنندگان به ادامه تحصیل در مقطع دانشگاه علاقه داشت و بقیه خواهان دریافت مدرک دیپلم بودند. مینا می‌گوید:

«درس خواندن را خیلی دوست داشتم. جزو دانش آموزان زرنگ مدرسه بودم، اما خانواده خودم و شوهرم می گفتن درس به چه درد تو می خوره و دو سالی ترک تحصیل کردم. بالاخره با اصرار خودم شوهرم راضی شد من رو توی مدرسه ثبت نام کنه.»

فاطمه می گوید:

«بیشتر اختلاف ما سر درس خواندن منه. شوهرم می گه بریم بیرون یا خونه مادرش، اما من امتحان دارم و نمی تونم هر لحظه همراهش باشم. مدام به خاطر درس خواندنم آزش سرکوفت می شنوم، دیگه تمرکزی روی درس هام ندارم و نمره هام خیلی کم شده.»

۳-۴-۵. کودک مادری

اکثر کودک همسران در معرض بارداری ناخواسته قرار دارند و بی اطلاعی ایشان از فرایند بارداری و روش های ضد بارداری، خطر ابتلا به بیماری های جسمی و روحی را برایشان در پی دارد. از آنجاکه جسم این کودکان برای بارداری آمادگی ندارد؛ با خطرهای زایمان های پُرخطر و سقط جنین های متعدد مواجه می شوند که جراحات فراوانی بر جسم و روحی این کودک مادران می گذارد. هانیه می گوید:

«قبل از طلاقم متوجه شدم که باردارم و بارداری ام خارج از رحمه، سر سقط اذیت شدم و تا مدت ها بستری بودم.»

نوشین می گوید:

«افشار زیادی به خاطر بچه دار شدن روم هست، همه انتظار داشتن بعد از ازدواج سریع بچه دار بشم، به خاطر مدرسه عقب انداختیم، اما هرکسی من رو می بینه در مورد بچه دار شدن می پرسه.»

۴-۴-۵. خشونت خانگی

تجربه خشونت در ازدواج زودهنگام بسیار شایع است و اکثر کودکان در معرض انواع خشونت خانگی مانند خشونت کلامی، فیزیکی، روانی و اقتصادی قرار گرفته اند. مشارکت کنندگان واکنش های متفاوتی نسبت به خشونت های اعمال شده نشان داده اند. تعداد زیادی نقش منفعلانه اتخاذ کرده و تعداد کمی به مقابله و مقاومت در مقابل خشونت ها پرداخته اند. ملیحه می گوید:

«رباط دستم پاره شده، زنگ ورزش نمی تونم ورزش کنم. کتف و کمرم درد می کنه. شوهرم بیشتر مواقع به خانوادم فحش می داد یا من رو کتک می زد.»

مرجان می گوید:

«همسرم پسر خاله ام بود، اون هم به اجبار با من ازدواج کرده بود. هیچ وقت به من نزدیک نمی شد، دچار افسردگی شده بودم، فکر می کردم مشکلی دارم که حتی کنارم نمی شینه. کم کم خبرهای هوس بازی اش را از آشناها شنیدم، جلوش وایسادم.»

۵-۴-۵. آثار روحی و روانی کودک همسری

یکی از راهبردهای ازدواج زودهنگام کودکان، آشکارشدن آثار بیماری‌های روحی و روانی بر آن‌هاست. زمانی که کودک پاسخی در مقابل خشونت همسر نداشته باشد، با تهدید به خودکشی یا اقدام به خودکشی واکنش نشان می‌دهد. افسردگی و ناامیدی در ازدواج، انزوای اجتماعی و کناره‌گیری از دوستان مجرد، به تدریج با کاهش اعتماد به نفس در این کودکان همراه می‌شود. این دختران معمولاً تحت سلطه همسر و خانواده خود قرار دارند و این عاملیت منفعل کم‌کم منجر به ایجاد این باور می‌شود که افراد بی‌اهمیتی برای خانواده و جامعه هستند. فاطمه می‌گوید:

«خونواده‌ام به اجبار شوهرم دادن. بعد عقد، به اجبار می‌خواستن طلاقم رو بگیرن. دیگه خسته شدم انگار عروسک و بازیچه خونواده‌ام شدم، هرچی قرص توی یخچال بود خوردم، می‌خواستم برای همیشه راحت بشم.»

ملیکا می‌گوید:

«بارها خودکشی کردم، علایمش رو روی دستام می‌بینی. چند روز پیش طناب خریدم تا خودم رو نجات بدم.»

زهرایان می‌کند:

«دوستام که مجردند، دوست ندارن با من ارتباط داشته باشن. چون خونواده‌هاشون گفتن با من حرف نزنن، توی مدرسه احساس تنهایی می‌کنم.»

۵-۵-۵. پیامدها

راهبردها نتایج خاصی را دارا هستند که پیامدها نامیده می‌شوند (ایمان، ۱۳۹۷: ۸۰). در این تحقیق پیامدها عبارت بود از نابسامانی زندگی زناشویی و طلاق که در جدول شماره ۶ آمده است.

۵-۵-۱. نابسامانی زندگی زناشویی

نارضایتی از زندگی زناشویی در تمام ابعاد زندگی اثرگذار است که معمولاً با بی‌علاقگی، انکار و سکوت نسبت به زندگی مشترک خود را نشان می‌دهد. در موارد زیادی فرد با تحمل شرایط، به بهترشدن زندگی امید دارد. عده‌ای نیز چون طلاق را مذموم می‌دانند، برای فرار از برچسب طلاق و سرزنش‌های اطرافیان به ادامه زندگی نابسامان خود تن در می‌دهند. تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان تمایلی به طلاق نداشتند و بر طبق کلیشه‌های سنتی اعتقاد داشتند با لباس سفید عروسی ازدواج کرده‌اند و با کفن سفید خواهند مُرد. معصومه می‌گوید:

«زن باید مردش را تربیت کنه. تلاش زیادی کردم که دست از رفیق بازی برداره، نسبت به اوایل ازدواج رفتارش بهتر شده.»

جدول شماره ۶: مقولات فرعی و مقولات اصلی در پیامدها

مقوله مرکزی	نقش در مدل پارادیمی	مقولات اصلی	مقولات فرعی
فقدان صدا و عاملیت دختران	پیامدها	روابط نابسامان زناشویی	- بی‌علاقگی و انکار و سکوت نسبت به زندگی مشترک - تحمل شرایط به امید بهتر شدن شرایط زندگی - مذموم دانستن طلاق در طایفه و سرزنش مردم - وجود باروهای خرافی: لباس سفید عروسی و پوشیدن کفن - خیانت به شوهر
		طلاق	- دخالت‌های خانواده همسر - بیماری روانی همسر - خشونت‌های فیزیکی و لایبالی‌گری همسر - طلاق به‌رغم مخالفت خانواده دختر - عدم تحمل زندگی زناشویی - عدم مسئولیت‌پذیری همسر - تعصبات و سخت‌گیری‌های نامتعارف همسر - اعتیاد همسر - خیانت همسر

نارضایتی از زندگی، چه از جانب مرد و چه از جانب زن به خیانت ختم می‌شود. ازدواج بدون رضایت و عدم انتخاب آگاهانه کودک، منجر به تضعیف رابطه بین زوجین می‌شود و زندگی را با مشکلاتی مواجه می‌کند که عدم حمایت همسر، نارضایتی از زندگی زناشویی و به تبع آن ادامه نابسامان زندگی از جمله آن‌هاست (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴).

نسترن می‌گوید:

«با پسری دوستم. فقط از طریق تلفن با هم چت می‌کنیم و بعضی مواقع حرف می‌زنم. تنها من نیستم، دوستان همشون با کسی رابطه دارن.»

۲-۵-۵. طلاق

در نتیجه عدم رضایت و نابسامانی زندگی زناشویی، طلاق رخ می‌دهد؛ کودکی که قبل از بلوغ فکری وارد زندگی می‌شود، توانایی اداره زندگی را از دست می‌دهد و در ایفای نقش‌های اجتماعی خود مانند همسری و مادری درمی‌ماند و در نهایت طلاق را به‌عنوان راه‌گشایی برای فرار از زندگی زناشویی انتخاب می‌کند

(افتخارزاده، ۱۳۹۴). یکی از پیامدهای شایع ازدواج زودهنگام، میزان بالای طلاق در سنین نوجوانی و دوران مدرسه است که آسیب‌های زیادی در پی دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان دخالت‌های والدین همسر را علت طلاق خود می‌دانست. دخالت‌ها و سلطه خانواده شوهر به‌ویژه مادرشوهر که در جامعه سنتی امری عرفی است، موجب شکل‌گیری تعارض‌های زناشویی و درنهایت طلاق می‌شود.
ملیحه می‌گوید:

«مادرشوهرم توی تمام زندگی‌ام دخالت می‌کرد. شوهرم بله‌قربان‌گوی مادرش بود، چون توی خونه اون‌ها زندگی می‌کردیم. سر هر چیز کوچکی دعوا راه می‌انداخت. اوایل خیلی احترامش می‌داشتیم، دیدم بدتر و بدتر می‌شه. دیگه عین خودشون شدم و جوابشون رو می‌دادم، شوهرم کتکم می‌زد. تاب و تحملم تموم شد و طلاق گرفتم.»

مرجان دراین‌باره می‌گوید:

«شوهرم مشکل بیماری دوقطبی شدید داشت و قرص مصرف می‌کرد. گاهی افسرده و توی خودش بود. گاهی هم من رو به باد کتک می‌گرفت و زمانی که عصبی بود اگر جلوش کوتاه نمی‌اومدم، دعوا مون ادامه پیدا می‌کرد. خانواده‌ام مخالف طلاق بودن و همراهی‌ام نکردن، اما با سن کم خودم دنبال طلاقم رفتم.»

۵-۶. مقوله مرکزی/ هسته: فقدان صدا و عاملیت دختران

هنگامی که یک دختر بتواند در مورد زندگی خود تصمیم بگیرد و بدون ترس از مجازات یا خشونت، بر اساس آن تصمیم عمل کند، دارای صدا و عاملیت است (کلاگمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). عدم مشارکت و ناتوانی در تصمیم‌گیری برای مسائل زندگی فردی و همچنین زندگی خانوادگی یا جمعی که ناشی از نابرابری‌های جنسیتی است، ارتباط تنگاتنگی با فقدان صدا و عاملیت دارد. کودکی، فقر و کم‌سواد، منابع و دارایی‌های کودکان برای ورود به زندگی زناشویی در ازدواج زودهنگام است؛ در نتیجه توانایی تصمیم‌گیری آن‌ها برای بازگشت به مدرسه، محدود کردن تحصیلات و کسب مهارت‌های مالی را کاهش می‌دهد. ازدواج در دوران کودکی، دختران را تحت سلطه همسر و خانواده اقرار می‌دهد و توانایی آن‌ها را برای ابراز عقاید و شکل‌دهی و پیگیری برنامه‌ها و آرزوهای خود محدود می‌کند (مالهوترا^۲ و همکاران، ۲۰۱۱؛ برنامه بریتانیا، ۲۰۱۱؛ وگلستین، ۲۰۱۳).

عاملیت زنان، شاکله اصلی توانمندسازی است که برای به‌تصور کشیدن بهتر پویایی‌های پیچیده جنسیتی در سطوح داخلی و اجتماعی توسط کبیر (۱۹۹۹) به کار برده شده است. عاملیت در نتیجه تغییرات اساسی در آگاهی ایجاد می‌شود و زنان را قادر می‌سازد در انتخاب‌ها و علاقه‌مندی‌های خود آزادی داشته باشند. در

1. Klugman
2. Malhotra
3. Plan UK
4. Vogelstein

مرکز توانمندسازی زنان، احساس شایستگی و عاملیت هدفمند نقش اساسی دارد؛ یعنی به جای تمرکز بر مجموعه‌ای ثابت از دارایی‌های بیرونی، بر مهارت‌ها، دانش، صدا، عاملیت و آزادی زنان تأکید شود. این دیدگاه با ازدواج زودهنگام کودکان نیز مرتبط است. پیامدهای دسترسی کودکان به مهارت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و دوستی‌ها، به مراقبت‌های بهداشتی باکیفیت و پیشگیری از بارداری می‌انجامد. آزادی عمل این دختران برای تحقق بخشیدن به توانمندی‌های خود با توانمندی‌های جمعی همراه می‌گردد (کبیر و سلیمان،^۱ ۲۰۱۵). توانمندی‌های جمعی نیز به تقویت قابلیت‌های فردی زنان کمک می‌نماید. همچنین، هنجارهایی که صدا و عاملیت دختران را محدود می‌کند، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها قابل مشاهده است. بر پایه این رویکرد، به منظور پرورش تغییرات اساسی در آگاهی و دگرگونی درونی و اجازه‌دادن به دختران برای انتخاب‌های آزادانه‌ای که آینده‌شان را شکل می‌دهد، تغییرات راهبردی بالقوه باید هم‌زمان با رویکردهای مداخله‌ای در سطوح مختلف انجام شود (جونس^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

در مصاحبه‌ها مشخص شد در مناطقی که بافت طایفه‌ای و قومیتی دارند، چشم‌انداز آینده بیشتر دختران، ازدواج در سنین کودکی است. گویی این نگرش خانواده‌ها نیز به نسل جدید منتقل شده است و آن‌ها سرنوشت غایی خود را ازدواج می‌دانند که اگر ازدواج در سنین کودکی اتفاق افتد به صلاح خود فرد است و راه فراری از این سرنوشت وجود ندارد. این باور چنان در ذهن کودکان پذیرفته شده که مقاومتی در برابر تصمیمات والدین نشان نمی‌دهند. این نوع عاملیت، انفعال خودخواسته است که دختر تلاشی برای رهایی وضع موجود انجام نمی‌دهد و با تبعیت بی‌چون‌وچرا از بافت پدرسالار و سنتی محیط زندگی خود، به ازدواج زودهنگام تن می‌دهد. حدود عاملیت زنان در این تحقیق در سطحی دیگر یعنی انفعال اجباری نیز قابل واکاوی است که در شرایط علی به طور کامل توضیح داده شد. البته، کودکان در برابر تصمیم خانواده برای ازدواج مقاومت‌هایی کرده‌اند که بی‌نتیجه مانده است.

۷-۵. مدل پارادیمی و خط سیر داستان

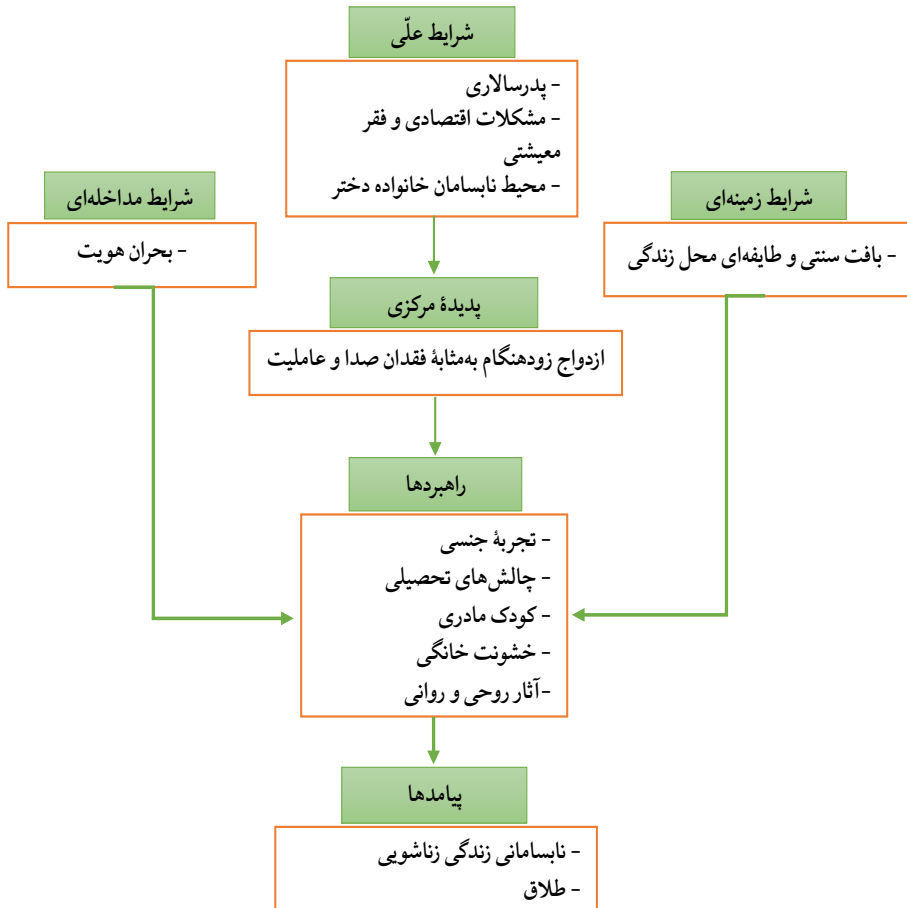
در مدل پارادیمی (شکل شماره ۱)، رابطه مقولات استخراج‌شده در مورد تجارب ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان در قالب یک مدل نشان داده شده است که در ادامه خط‌سیر این مدل در قالب یک داستان توصیفی به شکل روایتی بازگو می‌شود.

یافته‌ها نشان داد مقوله مرکزی در این تحقیق «ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان به مثابه فقدان صدا و عاملیت دختران» است. فقدان عاملیت و صدای دختران به شکل انفعال خودخواسته و اجباری از طریق ازدواج زودهنگام در این تحقیق شناسایی شده است. در مدل پارادیمی ازدواج زودهنگام، پدرسالاری، مشکلات اقتصادی و فقر معیشتی، محیط نابسامان خانواده جزو شرایط علی به شمار می‌روند که در ازدواج زودهنگام نقش داشته‌اند. مجموع این شرایط علی منجر به نادیده‌انگاشتن عاملیت و صدای دختران در انتخاب همسر

1. Kabeer & Sulaiman

2. Jones

در هنگام ازدواج شده است. این فقدان عاملیت بیشتر در بافت و شرایطی سنتی و طایفه‌ای محل زندگی دختران و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گری چون بحران هویت در دوران نوجوانی اتفاق افتاده است. در این سن چون کودک هنوز نتوانسته به رشد شخصیتی مطلوب دست یابد، با ورود به زندگی زناشویی، راهبردهایی چون عاملیت منفعل در تجربه جنسی، چالش‌های تحصیلی، کودک‌مادری، خشونت خانگی و آثار روحی و روانی را نشان داده است. البته مقاومت در این شرایط بسی سخت‌تر و پیچیده است، چراکه این کودکان فاقد منابعی چون تحصیلات، مهارت، آزادی، صدا و عاملیت بودند. درنهایت، این کودکان در مواجهه با این فقدان عاملیت فزاینده، با پیامدهایی چون نابسامانی زندگی زناشویی و طلاق در سنین نوجوانی روبه‌رو شده‌اند.



شکل شماره ۱: مدل پارادیمی ازدواج زودهنگام به مثابه فقدان صدا و عاملیت دختر

۶. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی کیفی تجارب ازدواج زود هنگام دانش آموزان نوجوان متأهل در مقطع متوسطه شهر میمند صورت گرفته است. بر اساس تفاسیر دانش آموزان نوجوان از پدیده ازدواج زود هنگام، مقوله مرکزی «ازدواج زود هنگام دانش آموزان به مثابه فقدان صدا و عاملیت دختران» استخراج گردید. یافته ها نشان داد مسیر زندگی این دختران با هنجارها و شیوه های نظام پدرسالارانه و واقعیت های اقتصادی و نابسامانی های محیط خانواده محدود و ازدواج زود هنگام بر آن ها تحمیل شده است. فقدان عاملیت، شنیده نشدن صدای کودکان و نبود سازوکارهای حمایتی تبدیل این پدیده به یک مسئله اجتماعی را در پی داشته است.

تلاش برای «بازنگری» زنانگی منفعل این کودکان می باید با تلاشی همانند برای «مقاومت» در مقابل عادی سازی این نوع خشونت با دور شدن از کلیشه های فرهنگی صورت پذیرد. عادی سازی ازدواج زود هنگام و تبدیل این خشونت به چیزی که مورد پذیرش همگان باشد، به منزله درمان نیست؛ بلکه نوعی فرار و خودفریبی از پدیده کودک همسری است. طبق اسناد بین المللی، این پدیده از مصادیق نقض حقوق بشر شناخته شده است و از آنجاکه بر اساس باور غلط حاکم در مناطقی خاص رخ می دهد؛ صدای این دختران محروم شده از کودکی معمولاً شنیده نمی شود. بر این اساس، ارتقای عاملیت و توانمندی های جمعی این دختران و همکاری بخش های مختلف در این زمینه، نقشی حیاتی در مقابله و کاهش خطرات ازدواج زود هنگام دارد.

بخشی از نتایج این تحقیق با نظریه های بوردیو، چافتز، نظریه نابرابری های جنسیتی، نظریه های قومی و فرهنگی و تحقیقات کلاگمن و همکاران (۲۰۱۴)، مالهوترا و همکاران (۲۰۱۱)، گلستین (۲۰۱۳)، احمدی (۱۴۰۰)، مرادی (۱۳۹۷)، کیانی و رهنما (۱۳۹۴) و اسدپور و همکاران (۱۳۹۸) هم خوانی دارد. یافته های تحقیقات پیش گفته نشان داده است که در این نوع ازدواج اغلب دختران به عنوان «دیگری» و فاقد صدا قلمداد می شوند و تحت سلطه و انقیاد جامعه پدرسالار قرار می گیرند. از طرفی، پذیرش ازدواج و مادری زود هنگام به یک ارزش اجتماعی مرکزی برای این دختران درآمده است؛ زیرا دسترسی به مسیرهای جایگزین، غیر از ازدواج برای همه دختران در جامعه مردسالار وجود ندارد و این دختران با انفعال خودخواسته تن به این نوع از ازدواج می دهند. دخترانی که در شرایط زمینه ای چون بافت سنتی، مناطق روستایی و طایفه ای زندگی می کنند، با ازدواج زود هنگام عملاً زودتر از همسالان خود ردای سنتی «زنانگی» را می پوشند. همچنین، همسوس شدن آداب و رسوم با مشروعیت های مذهبی و باورهای کلیشه ای، پیامدهای کودک همسری را دوچندان می کند.

بخشی از نتایج این پژوهش با نظریه رشد اریکسون و تحقیقات سمبرینگ و همکاران (۲۰۲۳)، زارعی محمودآبادی و زارعی (۱۴۰۰)، کیانپور قهفرخی و حقیقی (۱۳۸۶)، لطفی (۱۳۸۹) و هاشمی نسب و همکاران (۱۴۰۱) همخوانی دارد. یافته های این مطالعات نشان داد که شکل گیری ازدواج زود هنگام در سنین نوجوانی، با بحران هویت و بلوغ جسمانی و روانی دانش آموزان همراه است؛ چراکه در این مرحله از

زندگی، هویت شخصی این دختران هنوز به درستی شکل نگرفته است. این کودکان نوعاً با اعتماد به نفس ضعیف وارد زندگی زناشویی می‌شوند و اغلب تصورشان از زندگی زناشویی واهی و یا دور از واقعیت است. به دلیل فقدان عاملیت این دختران در دسترسی به مهارت‌ها و منابع آگاهی‌بخش پیش از ازدواج، در زندگی زناشویی با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند. افزایش آگاهی در مورد خطرات جسمانی و روحی ازدواج در کودکی می‌باید با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی همسو باشد و مسیرهای جایگزینی برای دختران و حمایت از خانواده‌ها پیشنهاد کند.

یکی از راه‌های جایگزین، حمایت از دختران برای کسب استقلال و موقعیت اجتماعی در بزرگسالی و حمایت والدین از گسترش توانمندی‌های دخترانشان به جای تمرکز بر ازدواج آن‌هاست. این امر مستلزم در دسترس بودن و رایگان بودن مدارس متوسطه در مناطق روستایی و محلی برای همگان است؛ زیرا در این مناطق والدین توان پرداخت هزینه‌های ادامه تحصیل دخترانشان را بعد از مقطع ابتدایی ندارند. این گزینه جایگزین، موجب جلب توجه والدین این دختران به ارزشمندی آموزش و سربار نبودن (و همچنین نان‌خور اضافی نبودن) ایشان می‌شود، به گونه‌ای که می‌توانند آنان را به عنوان دارایی اقتصادی به حساب آورند. بخشی از نتایج این پژوهش با تحقیقات بهوانیا و همکاران (۲۰۲۳)، اثنی‌عشری (۲۰۲۰)، اسدالله (۲۰۱۹)، هاجیکس و همکاران (۲۰۱۶)، راج (۲۰۱۰)، بیمن و همکاران (۲۰۱۲)، راماسوامی و مسکویز (۲۰۰۹)، سلحشور و حبیب‌پورگتابی (۱۴۰۰)، اسدپور و همکاران (۱۳۹۸) و ایمان و همکاران (۱۳۹۴) منطبق است.

مشارکت‌کنندگان در شکل‌گیری روابط زناشویی راهبردهایی چون تجربه جنسی، چالش‌های تحصیلی، کودک‌مادری، خشونت خانگی و آثار روحی و روانی را تجربه کرده‌اند. شناخت ناکافی کودک‌همسران از رابطه جنسی، موجب شده است در رابطه جنسی نیز نقش عاملیت منفعل را ایفا کنند. تجربه‌های ناخوشایند مشارکت‌کنندگان نشان‌دهنده عدم شکل‌گیری هویت جنسی در دوران کودکی است. همچنین، هنگامی که دختران زودهنگام ازدواج کنند، دستیابی ایشان به امکانات آموزشی و مسیر تحصیلی آن‌ها تغییر می‌یابد و معمولاً رفتن به مدرسه و آموزش رسمی متوقف می‌شود. بنابراین، آن‌ها از امکان دستیابی به دانش و مهارت‌های قابل استفاده در طول زندگی محروم می‌شوند. مادرانی که تحصیلات بیشتری دارند منابع خانواده را بیشتر در جهت تغذیه کودکان استفاده می‌کنند و فرزندان دارای تحصیلات کمتر، تغذیه مناسبی ندارند و به دلیل داشتن ایمنی کمتر در برابر بیماری‌های دوران کودکی، احتمال مرگ در آن‌ها بیشتر است. یافته‌های تحقیق نشان داد ازدواج زودهنگام دخترانی که مادرانشان بی‌سواد بودند، نیز بیش از سایرین است و این امر تداوم چرخه فقر در نسل‌های بعدی را تشدید می‌کند.

بخشی از نتایج تحقیق با تحقیقات بهوانیا و همکاران (۲۰۲۳)، بوتی و همکاران (۲۰۱۷)، پارسونز و همکاران (۲۰۱۵)، راج (۲۰۱۰)، بویل (۲۰۰۶)، هاشمی‌نسب و همکاران (۱۴۰۱)، زارعی محمودآبادی و همکاران (۱۴۰۰) و اعزازی (۱۳۸۳، ۱۳۹۴) هم‌خوانی دارد. یافته‌های این مطالعات نشان داد که در نبود توانمندی زنان و عاملیت، آن‌ها مجبور به اطاعت و پیروی از همسر و خانواده همسر خود می‌شوند. از آنجاکه هویت آن‌ها در مواجهه با وقایع زندگی زناشویی هویتی مضطرب و نگران و پُرابهام است، رفتارهای غیرمنطقی

دختران اغلب با خشونت خانگی از طرف همسرانشان پاسخ داده می‌شود. خشونت خانگی شامل طیفی از راهبردهای توهین‌آمیز شوهران این زنان نسبت به آن‌ها بوده است: از ضرب و شتم فیزیکی و تجاوز جنسی گرفته تا ارباب‌روانی و کنترل آن‌ها از طریق وابستگی اقتصادی. هرگاه این دختران در مورد بلندپروازی‌های خود برای ادامه تحصیل و یافتن شغل صحبت می‌کنند، این ترس و اضطراب مجدداً خود را در بستر درماندگی ناشی از تمسخر و مخالفت همسرانشان، نشان می‌دهد. درنهایت، این آزار جنسی، خشونت فیزیکی و توهین‌های کلامی تعدادی از دختران را به خودکشی سوق داده است و آثار روحی و روانی دیگری چون افسردگی و ناامیدی در ازدواج، انزوای اجتماعی و کناره‌گیری از دوستان مجرد و کاهش اعتمادبه‌نفس را تجربه کرده‌اند.

در این تحقیق پیامد ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان به دو گونه ادامه زندگی نابسامان زنانشویی به شکل سازگاری و مدارا و خیانت و طلاق در سنین نوجوانی شناسایی شد. دخترانی که الگوی سکوت و انکار و ادامه زندگی نابسامان را انتخاب کردند، به دلیل تأثیر عمیق کلیشه‌های فرهنگی و باورهای خرافی تمایلی به کنارگذاشتن این کلیشه‌ها ندارند؛ حتی اگر این باورها با واقعیت و حشيانه خشونت خانگی از طریق همسران همراه باشد. تمایل به طلاق در میان تعداد اندکی از این دختران وجود داشت و تنها ۴ نفر از دانش‌آموزان با عاملیت خود در پی رساندن صدای خود به دیگران از طریق طلاق بودند و حمایتی از طرف خانواده و اطرافیان خود دریافت نکرده بودند. بخشی از نتایج این پژوهش با تحقیقات بهوانیا و همکاران (۲۰۲۳)، زارعی محمودآبادی و زارعی (۱۴۰۰)، هاشمی‌نسب و همکاران (۱۴۰۱) و صفوی و مینایی (۱۳۹۴) هم‌خوان بوده است.

بدین ترتیب، مسیرهای جایگزینی چون آموزش دختران و حمایت از خانواده می‌تواند عاملیت و توانمندی زنان در نگاه به آینده را افزایش دهد. این تصویر بازنگری‌شده از توانمندسازی زنان از طریق صدا و عاملیت آن‌ها، می‌تواند عادی‌سازی فرهنگی خشونت علیه کودکان را به چالش بکشد. تنها با گفتن و گوش دادن و ایجاد مسیرهای جایگزین می‌توانیم به درک و حل واقعیت هولناک خشونت جنسی به نام ازدواج زودهنگام و همه اشکال خشونت علیه کودکان کمک کنیم.

منابع

- ابراهیمی، حبیب و فخرایی، سیروس (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ازدواج زودرس در شهرستان نقده. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، ۶(۲۱)، ۹۳-۱۱۰.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- احمدی، کامیل (۱۳۹۶). طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه.
- احمدی، کامیل (۱۴۰۰). نقش ازدواج موقت (TM) در ترویج کودک همسری (ECM) در ایران. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تاکستان)، ۷(۳)، ۵۷-۳۹.
- اسدپور، عهدیه؛ کمالی، افسانه و سفیری، خدیجه (۱۳۹۸). فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از نگاه کودک-زنان ازدواج‌کرده خراسانی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۱)، ۱۶۷-۱۹۴.

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳). ساختار جامعه و خشونت علیه زنان. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴(۱۴)، ۱۱۱-۶۶.
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- افتخارزاده، سیده‌زهره (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۲(۳)، ۱۵۶-۱۰۸.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی؛ گلی، علی و زارع، اسما (۱۳۹۴). مطالعه الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزندآوری آنان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۵(۱۴)، ۲۴-۱.
- تیلر، هوارد. کانینگ (۱۳۷۸). باروری و جمعیت. ترجمه زهره پورانصاری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حاجیلو، فتانه؛ آقایی، توکل و علیپورآباد، فریده (۱۴۰۰). علل زمینه‌ساز کودک همسری (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی شهر تبریز). فصلنامه زن و جامعه، ۱۲(۴۸)، ۱۱۶-۱۰۷.
- دانش مهر، حسین؛ خالقی‌پناه، کمال و زندی‌سرایسوره، شهلا (۱۳۹۹). طرد از میدان آموزش و بازتولید نابرابری جنسیتی: تحلیل روایت زنان روستاهای شهرستان دهگلان. نشریه زن در توسعه و سیاست، ۱۸(۱)، ۱۲۹-۱۰۵.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی (۱۹۹۳). تهران: علمی.
- زارعی‌محمودآبادی، حسن و زارعی، فاطمه (۱۴۰۰). علل و پیامدهای ازدواج زودهنگام و وقوع کودک‌همسری در دانش‌آموزان دختر استان یزد (طلاق دانش‌آموزی): مطالعه داده بنیاد. دوماهنامه علمی پژوهشی دانشکده یزد، ۲۰(۳)، ۲۷-۱۲.
- سلحشور، عصمت و حبیب‌پورگتایی، کرم (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی نقش فقر در تجربه کودک‌همسری (مطالعه موردی: زنان شهر جابهار). فصلنامه پژوهش مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، ۷۵-۳۱.
- صفوی، حناهدادات و مینایی، ماه‌گل (۱۳۹۴). تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر (مطالعه ازدواج زودهنگام دختران آران و بیدگل) و ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۶(۱)، ۱۰۶-۸۷.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران. پژوهش زنان، ۳(۱)، ۴۷-۲۵.
- غدیری، ماهر و (۱۳۹۵). سن رضایت به ازدواج از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۲(۴۵)، ۱۳۹-۱۱۵.
- قلی‌پور، سیاوش؛ امیری، نادر و تیزچنگ، مهسا (۱۳۹۳). زنان و بازتولید پدرسالاری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۵(۴)، ۱۵۲-۱۱۱.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). حول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. پژوهش زنان، ۲(۳)، ۱۲۴-۱۰۳.
- کیانپورقهفرخ، فاطمه و حقیقی، جمال (۱۳۸۶). رابطه هفت مرحله اول نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با سلامت روانی بین‌سالمدان استان خوزستان. مجله علمی پزشکی جندی‌شاپور، ۶(۴)، ۴۵۳-۴۴۶.
- کیانی، مژده و رهنمافلورجانی، زهره (۱۳۹۴). تأثیر احساس نابرابری جنسیتی بر سرمایه اجتماعی زنان تحصیلکرده شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۲)، ۹۰-۷۷.
- لطفی، راضیه (۱۳۸۹). پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان. فصلنامه زن و بهداشت، ۱(۲)، ۷۹-۶۷.
- محسنی‌تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵). کتاب روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد). تهران: اطلاعات.
- مرادی، علی (۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی عاملیت زنان: مورد مطالعه شهر کرمانشاه. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۷(۱)، ۱۵۱-۱۸۲.
- مسگرطهرانی، زینب؛ کاظمی، عباس و میرزایی، خلیل (۱۳۹۹). دیوارهایی که ترک می‌خورند: پیش روی آرام عاملیت زنان، مطالعه موردی زنان ترکیه و ایران. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۷(۱۶)، ۳۴۷-۳۱۷.

- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۴۰۰: نتایج تفصیلی زنانشویی. دسترسی در: <https://www.amar.org.ir>
- میرشاه، سمیه (۱۴۰۰). پیامدها و آسیب های کودک همسری. چهارمین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی. دسترسی در: <https://civilica.com/doc/1439936/>
- هاشمی نسب، فخرالسادات؛ مقصودی، سوده و قنادزاده، مهدی (۱۴۰۱). واکاوی کیفی تجربه کودک همسری در بین زنان جدا شده از همسر شهر کرمان. مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۱)، ۲۹۱-۲۷۱.
- Asadullah, MN., & Wahhaj, Z. (2019). Early marriage, social networks and the transmission of norms. *Economica*, 86(34), 801-831. <https://doi.org/10.1111/ecca.12291>.
- Asna-ashary, M., Farzanegan, M.R., Feizi, M., & Gholipour, H.F. (2020). Socio-Economic Determinants of Child Marriage: Evidence from the Iranian Provinces. CESifo Working Paper No. 8073. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3535283>.
- Barnett, O. W., Perrin, C. L., & Perrin, R. D. (1997). *Family violence across the lifespan: An introduction*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Beaman, L., Dufflo, E., Pande, R., & Topalova, P. (2012). Female leadership raises aspirations and educational attainment for girls: A policy experiment in India. *Science*, 335(6068), 582-586. <https://doi.org/10.1126/science.1212382>.
- Bhuwania, P., Huh, K., & Heymann, J. (2023). Impact of Tuition-Free Education Policy on Child Marriage and Early Childbearing: Does Secondary Matter More? *Population and Development Review* 49(1), 43-70. <https://doi.org/10.1111/padr.12538>.
- Botea, I., Chakravarty, Sh., Haddock, S., & Wodon, Q. (2017). *Interventions Improving Sexual and Reproductive Health Outcomes and Delaying Child Marriage and Childbearing for Adolescent Girls*. Ending Child Marriage Notes Series. Washington, DC: World Bank Group.
- Boyle, M.H., Racine, Y., & Georgiades, K. et al. (2006). The Influence of Economic Development Level, Household Wealth and Maternal Education on Child Health in the Developing World. *Social Science & Medicine* 63 (8), 2242-2254.
- Hotchkiss, D.R., Godha, D., & Gage, A.J. et al. (2016). Risk factors associated with the practice of child marriage among Roma girls in Serbia. *BMC Int Health Hum Rights* 16, <https://doi.org/10.1186/s12914-016-0081-3>.
- Jones, N., Presler-Marshall, El., Kassahun, G., & Hateu, M.K. (2020). Constrained choices: Exploring the complexities of adolescent girls's voice and agency in child marriage decisions in Ethiopia. *Progress in Development Studies*, 20(4), 296-311.
- Kabeer, N., & Sulaiman, M. (2015). Assessing the impact of social mobilization: Nijera Kori and the construction of collective capabilities in rural Bangladesh. *Journal of Human Development and Capabilities* 16(1), 47-68.
- Kenny, L., Koshin, H., Sulaiman, M., & Cislighi, B. (2019). Adolescent-led marriage in Somaliland and Puntland: A surprising interaction of agency and social norms. *Journal of Adolescence*, 72, 101-111. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2019.02.009>
- Klugman, J., Hanmer, L., Twigg, S., Hasan, T., & McCleary-Sills, J. (2014). *Voice and Agency: Empowering Women and Girls for Shared Prosperity*. Washington, DC: The World Bank.

- Malhotra, A., Warner, A., McGonagle, A., & Lee-Rife, S. (2011). Solutions to End Child Marriage What the Evidence Shows. Washington, DC: International Center for Research on Women.
- McDougal, L., Jackson, E. C., McClendon, K. A., Belayneh, Y., Sinha, A., & Raj, A. (2018). Beyond the statistic: exploring the process of early marriage decision-making using qualitative findings from Ethiopia and India. BMC women's health, 18(1), 1-16.
- <https://doi.org/10.1186/s12905-018-0631-z>.
- Nour, N.M. (2006). Health Consequences of Child Marriage in Africa. Emerging Infectious Diseases 12(11), 1644-1649. <https://doi.org/10.3201%2Feid1211.060510>.
- Parsons, J., Edmeades, J., & Kes, A. et al. (2015). Economic Impacts of Child Marriage: A Review of the Literature. The Review of Faith & International Affairs 13(3), 12-22.
- Petroni, S., Steinhaus, M., & Stevanovic, N. et al. (2017). New Findings on Child Marriage in Sub-Saharan Africa. Annals of Global Health 83(5-6), 781-790.
- Plan UK. (2011). Breaking Vows: Early and Forced Marriage and Girls' Education. London: Plan UK.
- Raj, A., Saggurthi, N., & Winter, M. et al. (2010). The Effect of Maternal Child Marriage on Morbidity and Mortality of Children Under 5 in India: Cross Sectional study of a Nationally Representative Sample. BMJ 340: b4258.
- Ramaswami, R., & Mackiewicz, A. (2009). Scaling Up: Why Women-Owned Businesses Can Recharge the Global Economy. New York: Ernst and Young.
- Semba, R.D., de Pee, S., & Sun, K., et al. (2008). Effect of Parental Formal Education on Risk of Child Stunting in Indonesia and Bangladesh: A Cross-sectional Study. The Lancet, 371(9609), 322-328.
- Sembiring, A. A. R. B., Safitri, E. P., Tarigan, N. V., Salamah, S., & Afiq, M. F. (2023). Psychological Impact Evaluation of Early Marriage. JURNAL EDUKASI NONFORMAL, 4(1), 18-21.
Retrieved from <https://ummaspul.e-journal.id/JENFOL/article/view/5514>.
- Stark, L. (2018). Poverty, Consent, and Choice in early Marriage: Ethnographic Perspectives from Urban Tanzania. Marriage & Family Review 54(6): 565-581.
- UNICEF. (2005). Early Marriage a Harmful Traditional Practice a Statistical Exploration. New York: UNICEF.
- UNICEF. (2019). Child marriage. Available at: <https://www.unicef.org/protection/child-marriage>.
- Vogelstein, R. (2013). Ending Child Marriage: How Elevating the Status of Girls Advances U.S. Foreign Policy Objectives. New York: Council on Foreign Relations.
- WHO. (2003). Towards Adulthood: Exploring the Sexual and Reproductive Health of Adolescents in South Asia. Geneva: World Health Organization.